

## بررسی نگرش مردم نسبت به معلولین

دکتر علیرضا کلدی\*

### چکیده

این تحقیق با هدف کلی شناخت نگرش‌های ساکنان مناطق مختلف تهران نسبت به معلولیت انجام گرفت. هدف اصلی، شناخت یکی از مشکلات افراد دارای محدودیت، یعنی نحوه برخورد افراد عادی جامعه با معلولین و نیز میزان پذیرش افراد معلول توسط افراد عادی جامعه است.

روش مطالعه در این تحقیق، روش پیمایشی است جمع‌آوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه انجام گرفته است. جمعیت نمونه شامل ۱۵۰۰ نفر افراد بالای هجده سال ساکن در مناطق بیست‌گانه تهران بوده است. شیوه نمونه‌گیری به روش تصادفی سیستماتیک و خوشه‌ای انجام گرفت.

این تحقیق نشان داد که نگرش افراد نسبت به معلولین به دو سمت مثبت و منفی گرایش دارد و این نگرش‌ها بر حسب متغیرهایی مانند سن، جنس، تحصیلات، شغل و وضع تأهل پاسخگویان، با هم متفاوت است. در بین افراد جامعه، نگرش منفی نسبت به معلولیت‌های قابل‌رؤیت وجود دارد. این امر در بین افراد با چند معلولیت، بیش‌ترین میزان و افراد با لکنت زبان، کم‌ترین میزان است.

## مقدمه

در پاره‌ای موارد ملاحظه می‌شود افراد جامعه، معلولین را به چشم موجوداتی عجیب می‌نگرند. مبنای این داوری‌ها تصویر عمومی جامعه از معلولیت است که معلولین را افرادی ناتوان می‌داند. این نگرش، احساس معلول را جریحه‌دار می‌کند به طوری که تمام تلاش او معطوف به دور شدن از واقعیت معلولیت می‌شود، و در نهایت، اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد.

تصور جامعه از افراد معلول متکی بر تفاوت‌های عملکردی آن‌ها نسبت به افرادی است که جامعه آن‌ها را نرمال (بهنجار) می‌شناسد. از این رو، تبعیض قایل شدن بین معلول و غیرمعلول، عادی تلقی می‌شود. وقتی که شرایط طبیعی، معمولی و عادی قلمداد گردد، هر فردی که از لحاظ ظاهر، عملکرد، رفتار و اعتقاد با این شرایط منطبق نباشد، غیرعادی محسوب می‌شود و از بسیاری امکانات که در دسترس افراد عادی است، محروم می‌گردد این محرومیت هم طبیعی به حساب می‌آید.

بر همین اساس، افراد جامعه تصور می‌کنند که معلولین به دلیل تفاوت‌هایی که با دیگران دارند، همواره در آرزوی دست‌یابی به شرایط عادی هستند. معلولین به دلیل این نگرش‌های نادرست، امروزه حرف دیگری برای گفتن دارند. آن‌ها اعلام می‌کنند که ما تفاوت‌های خود را با افراد دیگر پذیرفته‌ایم زیرا بخشی از زندگی و هویت ما است. اما تصویری را که افراد جامعه از معلولیت دارند، رد می‌کنیم.

برخوردهای مبتنی بر تبعیض افراد جامعه نسبت به معلولین، براساس فرضیاتی در مورد معلولین شکل گرفته است که کاملاً مغایر با نظر معلولین راجع به پذیرش تفاوت‌های ظاهری است. بنابراین، محدودیت‌های افراد بخشی از تفکر و تصور دیگر افراد جامعه را شکل می‌دهد. محدودیت‌های افراد بازگوکننده این واقعیت است که افراد جامعه، معلولیت را رد می‌کنند و معلول را در سطحی پایین‌تر از انسانی عادی قرار می‌دهند، و بیانگر آن است که جامعه مایل نیست معلولین در مکان‌هایی که متعلق به افراد عادی جامعه است (مانند خانه، مدرسه، محیط کار، محل تفریح) حضور داشته باشند. جامعه نه تنها توانایی جسمانی را ارزش می‌نهد، بلکه برای کسانی که با هنجار فیزیکی جامعه انطباق ندارند، ارزش منفی قایل است. این طرز تفکری است که در

بسیاری از جوامع حاکم است.

در برخی جوامع اصولاً اعتقاد بر این است که افرادی باید زنده بمانند و ادامه حیات دهند که الزاماً مناسب‌ترین باشند. در چنین شرایطی، زندگی معلولین، یک زندگی فاقد ارزش تلقی می‌شود. عوامل دیگری نیز در بی‌ارزش شمردن زندگی معلولین دخالت دارند که یکی از آن‌ها خود معلولین هستند. آن‌ها تحت تأثیر نگرش‌های حاکم، اغلب اوقات شرایط زندگی خود را زیر سؤال می‌برند.

باتوجه به این که عدم آگاهی مردم از معلولین، تهدیدی برای زندگی این گروه محسوب می‌شود، ضرورت دارد که نگرش‌های افراد جامعه نسبت به معلولین متحول شود.

معلولیت به مثابه پدیده‌ای زیستی و اجتماعی، واقعیتی است که تمام جوامع، صرف‌نظر از میزان توسعه‌یافتگی، و اعم از کشورهای صنعتی و غیرصنعتی با آن مواجه هستند. بررسی‌های آماری گویای این واقعیت است که ده درصد از جمعیت هر جامعه‌ای را افراد معلول تشکیل می‌دهند. طبق تعریف، معلولیت اختلال در رابطه بین فرد و محیط است، و این امر زمانی رخ می‌دهد که ناهنجاری و کمبود در ساخت یا کارکرد روانی و جسمی فرد به وجود آید، به طوری که ادامه زندگی به شیوه عادی را از او سلب و دامنه فعالیت فردی - اجتماعی وی را از حالت طبیعی خارج نماید.

پدیده معلولیت، با توجه به علل و انواع آن و نیز معنایی که جامعه از این پدیده ارائه می‌دهد، نمود می‌یابد، به طوری که از یک سو وقایع اجتماعی چون جنگ، و انقلابات موجب به وجود آمدن معلولیت می‌شود، و از سوی دیگر، وقوع معلولیت، آثار و پیامدهای اجتماعی متعددی به دنبال دارد، از جمله اختلال در ارتباط فرد با محیط پیرامون. همچنین، «معلولیت» و به طور عام «بیماری» در جوامع مختلف بر حسب فرهنگ‌های گوناگون، معانی اجتماعی خاص دارد (آدام و دیگران، ۱۳۷۶).

به طور اخص، معلولیت به دلیل اختلالی که در کارکرد و ساختار جسمانی یا ذهنی انسان ایجاد می‌کند، تهدیدی برای سلامت او تلقی می‌شود. با توجه به تعریفی که جامعه از مفاهیم «سلامتی» و «بیماری» ارائه می‌دهد، معلولیت به دلیل ناهنجاری در کارکرد جسمانی فرد، محدودیت‌هایی را برای فرد ایجاد می‌کند و ادامه فعالیت فردی و

اجتماعی را به گونه‌ای که افراد سالم انجام می‌دهند، با مشکل مواجه می‌سازد. از این طریق، به معیارهایی که جامعه با آن‌ها مفهوم «سلامتی» - سلامت زیستن - را معنا و ارزیابی می‌کند، لطمه می‌زند. در چنین شرایطی به فرد معلول به گونه غیرمتعارف نگریسته می‌شود، زیرا سلامتی و سالم‌زیستن، یک حالت معمولی و بهنجار، و بیماری و معلولیت، یک حالت نابهنجار تلقی می‌گردد.

تحقیق حاضر یکی از مسائل اجتماعی افراد معلول - نگرش جامعه نسبت به معلولین - را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و در پی یافتن پاسخ‌های منطقی برای پرسش‌های زیر است: نحوه نگرش جامعه نسبت به افراد معلول چگونه است؟ نگرش نسبت به معلولین تحت تأثیر چه عواملی قرار می‌گیرد؟

روابط اجتماعی و تعامل اجتماعی فرد پس از معلولیت با محیط اجتماعی پیرامونش دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود. این مقوله به معانی، تفاسیر، و داوری ارزشی جامعه از این پدیده نیز مربوط می‌گردد. در این زمینه، تجارب، مشاهدات و منابع اطلاعاتی نشان می‌دهند که ارتباط اجتماعی با افراد معلول شکل منطقی ندارد، بلکه معمولاً در دو حد افراطی دلسوزی‌های ناخواسته و ترحم از یک طرف، و طرد یا عدم پذیرش اجتماعی و بی‌توجهی به حقوق فردی آنان از طرف دیگر قرار می‌گیرد. فی الواقع، محدودیت‌های حرکتی، موانع شهری و معماری و دیگر موانع، مجموعه عواملی هستند که مشارکت اجتماعی افراد معلول در جامعه را با مشکل مواجه می‌سازند. این امر موجب ازهم‌گسستگی پیوند این گروه با جامعه می‌شود، و در نهایت، تعامل اجتماعی منطقی و پذیرش اجتماعی - ادغام معلولین و غیر معلولین در جامعه - را با مشکل روبه‌رو می‌کند. این تحقیق، بررسی و تجزیه و تحلیل نحوه نگرش افراد جامعه نسبت به معلولین را مورد توجه قرار داده است.

براساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، در سطح بین‌المللی بیش از پانصد میلیون نفر معلول وجود دارد. مدارک موجود نشان‌دهنده این واقعیت‌اند که دست‌کم حدود ده درصد افراد در هر کشوری با یک نقص جسمی، ذهنی، روانی، یا حسی به دنیا می‌آیند و به دلایل متعددی، از جمله فلج اطفال، و سوانح، مانند تصادف رانندگی به آن مبتلا می‌شوند. چنین عوارضی باعث می‌شوند فعالیت اجتماعی آنان در مقایسه با سایر افراد

هم‌سن و هم‌جنسشان در سطحی نازل قرار گیرد. در ایران، طبق سرشماری سال ۱۳۷۵، تعداد معلولین با معلولیت‌های قابل‌رؤیت حدود یک درصد جمعیت را تشکیل می‌دهد که نزدیک به یک‌سوم آن در سنین چهارده تا چهل ساله هستند.

بررسی مسائل افراد دارای محدودیت به منزله گروه‌های خاصی از جامعه به‌طور جدی و مستمر مورد توجه قرار نگرفته و تاکنون ضرورت و اهمیت پژوهش و بررسی در زمینه مسائل معلولین، خصوصاً از جنبه اجتماعی، کم‌تر مورد توجه محققان واقع شده است.

با شناخت زمینه‌های توسعه نگرش مثبت و واقع‌گرایانه افراد جامعه نسبت به معلولین، آنان از کنج خانه‌ها و آسایشگاه‌ها به سوی جامعه سوق داده می‌شوند و زمینه پذیرش آنان در جامعه بیش از پیش فراهم می‌گردد.

## اهداف

هدف کلی این تحقیق، بررسی و تجزیه و تحلیل عواملی است که می‌توانند به سان عوامل بازدارنده پیوند افراد معلول با جامعه محسوب گردند. در همین راستا، طرز تلقی و نحوه نگرش نسبت به عارضه معلولیت و دیدگاه جامعه نسبت به آنان، حائز اهمیت است.

هدف کلی و عام این تحقیق را می‌توان به اهداف ویژه زیر تقسیم کرد:

- ۱- شناخت و بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به معلولین بر حسب متغیرهای مختلف از قبیل سن، جنس، سطح تحصیلات، ارتباط با معلولین، و پایگاه طبقه‌ای؛
- ۲- ارائه راه‌کارهای مناسب به منظور اصلاح نگرش افراد جامعه نسبت به معلولین. باتوجه به این که درصدی از جمعیت جامعه را معلولین تشکیل می‌دهند، اصلاح نگرش اکثریت افراد جامعه نسبت به این قشر از جامعه در راستای احقاق حقوق انسانی آنها مؤثر خواهد بود و به ویژه، زمینه‌های برابری فرصت‌ها برای آنان را در جامعه فراهم خواهد ساخت.

## برخی پژوهش‌های انجام‌شده

تحقیقاتی که دربارهٔ افراد دارای محدودیت صورت گرفته، همواره مؤید برخورد تبعیض‌آمیز و نگرش منفی افراد عادی جامعه نسبت به آنان بوده است. تحقیقاتی که در این خصوص منتشر شده، نشان می‌دهند که چگونگی این برخوردها تابعی است از میزان درک و نحوهٔ نگرش‌های اجتماعی اعضای جامعه دربارهٔ افراد دارای محدودیت.

تحقیقات نشان می‌دهند که در کشورهای پیشرفته، نگرش‌های مردم نسبت به معلولین کم‌تر منفی است. به‌عنوان نمونه، تحقیقی در کشور استرالیا نشان داده که نگرش‌های مردم نسبت به معلولین بیش‌تر در راستای پذیرش قرار گرفته است، و در نتیجهٔ چنین تغییراتی، مردم در خصوص شناسایی و پذیرش افراد معلول بیش‌تر تمایل نشان می‌دهند (Richardson, 1971). اما تبعیض علیه افراد معلول در بسیاری از کشورهای درحال توسعه همچنان وجود دارد. برخی از نظریه‌پردازان کوشش نموده‌اند تا ارتباط متغیرهای اجتماعی فرهنگی را با وضعیت افراد معلول در فرهنگ‌های مختلف بررسی کنند.

تبعیض علیه افراد معلول تا دههٔ ۱۹۶۰ در اغلب جوامع به‌طور جدی وجود داشت؛ اما از آن به بعد، به دلیل نهضت‌های حقوق بشر و با تأکید بر فردگرایی، رفع تبعیض مشاهده شد.

مطالعهٔ تفاوت‌های فرهنگی مردم و نگرش آنان نسبت به افراد معلول در بسیاری از کشورها حائز اهمیت است. این امر به ویژه در مورد کشورهایی که تعداد زیادی مهاجر پذیرفته‌اند، مصداق دارد. غالباً نگرش اقلیت‌ها نسبت به افراد معلول با نگرش و ارزش‌های افرادی که در نظام مراقبت‌های بهداشتی جامعه فعالیت دارند، متفاوت است، به طوری که به درمان ناکافی و نارضایتی تعدادی از مددجویان و نیز کارکنان مراقبت‌های بهداشتی منجر شود. پیشینه‌های فرهنگی - اجتماعی مراقبان بهداشتی و توانبخشی ممکن است اثر مهمی بر چگونگی مراقبت از بیمار و معلول داشته باشد.

یک تحقیق نشان می‌دهد که افراد معلول در مقام شهروند، خدمات توانبخشی را از افراد معلول مهاجر با پیشینه‌های فرهنگی مختلف، بهتر و مناسب‌تر دریافت می‌کنند

(Richardson, 1971). کودکان معلول گروه‌های مهاجر در بسیاری از کشورهای غربی اغلب از دریافت خدمات توانبخشی و رفاهی بی‌بهره‌اند.

افراد معلول همچنان که توسط سازمان بهداشت جهانی و گروه‌های حقوق بشر اعلام گردیده، خواهان فرصت‌های برابر و یکپارچگی اجتماعی هستند. اما آشکار است که برخی از کشورها این خواست‌ها را نسبت به دیگر جوامع بهتر تحقق می‌بخشند.

نگرش‌های منفی افراد جامعه نسبت به افراد معلول به شکل طرد (exclusion)، یا عدم امکان دسترسی به نقش‌های اجتماعی، فعالیت‌ها و تسهیلات ظاهر می‌شوند. بدین ترتیب، این نگرش در بین اعضای عادی جامعه وجود دارد که افراد معلول نباید تحصیل کنند، شاغل باشند، ازدواج کنند یا قادر باشند که به اماکن عمومی بروند.

مقیاس‌های فاصله اجتماعی که بوگاردوس برای اندازه‌گیری درجه طرد یا تعصب (prejudice) احساس شده برای گروه‌های مختلف نژادی تهیه نمود، اغلب برای مقایسه درجه پذیرش گروه‌های معلول به کار رفته است. از نظر نوع‌بندی (typology)، محققان دریافته‌اند که معلولیت‌های کم‌تر قابل‌رؤیت، آن‌هایی هستند که بیش‌ترین پذیرش را بین مردم دارند؛ و معلولیت‌های قابل‌رؤیت مانند فلج مغزی و معلولیت‌های ذهنی، آن‌هایی هستند که بیش‌تر وصله ناجور تلقی می‌شوند.

«روند زندگی معلولین از گذشته دور تاکنون و نگرش‌های متفاوت نسبت به معلولین در سه مرحله خلاصه می‌شود: ۱- حذف معلولین از جامعه، ۲- حمایت سنتی از معلولین ۳- ادغام معلولین در جامعه و یکی شدن آن‌ها با دیگران» (افروز، ۱۳۶۵: ۲۱).

این مراحل، نوعی جریان تکاملی خطی رفتار اجتماعی و نگرش‌های جامعه را در برابر افراد معلول نشان می‌دهند. نباید تصور کرد که شرایط و خصایص این دوره‌ها و شیوه‌های رفتار اجتماعی کاملاً مجزا از یکدیگر محقق می‌شوند، بلکه در بسیاری از موارد ممکن است آمیزه‌ای از سه شیوه متفاوت رفتار اجتماعی در هر مرحله پدیدار شود.

هم‌چنین نباید پنداشت که شرایط و خصایص مراحل مزبور صرفاً به زمان و مکان خاصی تعلق دارد و دیگر در عصر حاضر اثری از آن‌ها یافت نمی‌شود، بلکه در دنیای امروز، رفتار اجتماعی بسیاری از جوامع با افراد معلول با رفتار جوامع گذشته فرق زیادی

ندارد.

با بررسی پژوهش‌های مربوط به دیدگاه‌های منفی نسبت به افراد معلول می‌توان به منابع احتمالی، مقاصد و ریشه‌های نگرش‌های منفی دست یافت. به عبارت دیگر، تلاش این است که پاسخی برای این پرسش به دست آید: چرا نگرش‌های منفی، آشکار و پنهان، نسبت به افراد با معلولیت جسمی، رفتاری، ذهنی، اجتماعی وجود دارد؟ برخی از محققان از جمله یوکر (Yuker, 1988: 35) ریشه‌های نگرش نسبت به افراد معلول را در چهار دسته زیر تقسیم کرده‌اند: ۱- پویایی روانی (psychodynamic) ۲- فرهنگی - اجتماعی (sociocultural) ۳- تاریخی (historical) ۴- عوامل جمعیتی (سن و جنس و...) و شخصیتی (demographic and personal) مشاهده‌کننده.

این طبقه‌بندی‌ها کاملاً تفکیک شده نیستند، بلکه در رابطه‌ای متقابل و در یک مجموعه، منابع نگرش نسبت به افراد معلول را تشکیل می‌دهند. عوامل مؤثر بر نگرش نسبت به افراد معلول دارای رابطه‌ای درهم‌تنیده و پیچیده‌اند که به راحتی قابل بررسی نیستند. به همین منظور، لیونه (Livneh, 1985: 38-91) در مطالعه‌ای تلاش کرده چشم‌اندازی ساده و جامع از ریشه‌های نگرش منفی نسبت به افراد معلول ارائه دهد. لیونه شش عامل مؤثر بر نگرش‌های منفی نسبت به افراد معلول را مورد بررسی قرار داده است که عبارتند از:

- ۱- عمل روانی و فرهنگی - اجتماعی (sociocultural - psychological) ۲- شناختی - احساسی (affective - cognitive) ۳- خودآگاه - ناخودآگاه (conscious - unconscious) ۴- موقعیت حال - تجربیات قبلی (past experience - present situation) ۵- نظری - عملی (theoretical - empirical) ۶- نظری - عملی (theoretical - empirical).

عامل دیگر، نقش ناهنجاری رفتاری در نگرش نسبت به افراد معلول است. این مفاهیم پدیده معلولیت را بین دو دسته از عوامل روانی از یک سو، و عوامل اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر، تحلیل می‌کند. دواحساسی (ambivalence) نسبت به معلولین یکی از مفاهیمی است که بین دو دسته از عوامل روانی - اجتماعی قرار می‌گیرد. براین اساس، افراد در ارتباط خود با معلولین دچار نوعی احساس دوگانه‌اند؛ یعنی، از یک سو احساس ترحم و از سوی دیگر احساس تنفر نسبت به معلولین دارند. به عارت دیگر،



بین دو نوع احساس ترحم و همدردی یا تنفر و بیزاری که موجب عدم تعادل عاطفی و در نهایت ناپایداری در رفتار نسبت به معلولین می‌شود، قرار دارند. مطالعات و تحقیقات انجام شده پیرامون معلولین در ایران در سه بخش عمده دسته‌بندی می‌شود:

الف - بعد روان‌شناختی: در این بخش از مطالعات انجام شده، دیدگاه روان‌شناختی نسبت به پدیده معلولیت و افراد معلول ملاحظه می‌شود. تأکید عمده در این مطالعات به پیامدهای روحی و روانی ناشی از معلولیت در انسان است. پرسش اساسی این است که پس از وقوع معلولیت، چه تغییرات روحی و روانی در فرد ایجاد می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش گفته می‌شود که اختلالات روحی و روانی شایع در افراد معلول عمدتاً عبارتند از افسردگی، فشارهای روحی - روانی، اضطراب، و اختلال در سازگاری (سپهر و دیگران، ۱۳۷۶).

ب - بعد اقتصادی: در این زمینه، طرح‌های تحقیقاتی، با هدف حل مشکلات و معضلات اقتصادی افراد معلول انجام گرفته است. اشتغال به منزله یکی از راه‌حل‌های رفع مشکلات اقتصادی معلولین مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است، هم‌چنان که به کارگماری افراد معلول از روش‌های مهم بازگشت مجدد آنان به جامعه محسوب می‌گردد. با تغییرات مختصر در روش‌های اجرایی بعضی مشاغل و رعایت اصول ارگونومی<sup>(۱)</sup> در حرفه‌های فنی می‌توان تا حدودی مشکلات اشتغال افراد معلول را حل و زمینه را برای به کارگماری آنان فراهم کرد.

ج - بعد فیزیکی: حجم وسیعی از تحقیقات انجام شده در مورد مسائل و مشکلات معلولین به چگونگی متناسب‌سازی محیط شهری و مسکونی برای این افراد اختصاص دارد، به طوری که موانع فیزیکی در بافت شهری، از عوامل و موانع جدی در راه پیوند فرد معلول و جامعه محسوب می‌گردد. غلبه بر موانع فیزیکی، محیطی و سازگاری آن با شرایط خاص افراد معلول، موجب حضور هرچه بیش‌تر آنان در اجتماع می‌گردد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در ایران در خصوص نگرش مردم نسبت به افراد

دارای محدودیت، مطالعه‌ای جامع به‌طور مستقیم صورت نگرفته است.

## مباحث نظری

دیدگاه‌های نظری متأثر از ارتباط بین محیط (خانواده، جامعه) با نحوه نگرش افراد پایه نظری این بررسی است، به‌طوری که نظریه‌های افرادی چون مید، بلومر، زیمل، وبر، اتوکلاین برگ، کاتز و گلاس و استوتزل در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد. مید به وجود رابطه میان ابعاد عینی و ذهنی یک پدیده تأکید می‌کند. به نظر او اندیشه یک فرد، شناخت، تفکر، آگاهی و نگرش نسبت به امور و واقعیت‌های اجتماعی که مبنای رفتار و کنش فرد را نسبت به موقعیت معینی تشکیل می‌دهد، حاصل تقابل بین دو بعد عینی و ذهنی است.

از نظر مید، شرایط محیطی نقش مهمی در شکل‌گیری طبیعت آدمی و رفتار و شخصیت او دارد، اما این تأثیر یک‌جانبه نیست. انسان موجودی منفعل و صرفاً پذیرنده شرایط محیطی نیست، بلکه در پیوند متقابل با شرایط اجتماعی و محیطی، در ابتدا به خود می‌نگرد، با خود به گفت‌وگو می‌نشیند، از خود موضوعی بامعنا و قابل اشاره می‌سازد، سپس دست به کنش می‌زند. انسان به مدد خود، قادر است نوع رابطه‌اش را با محیط پیرامون دگرگون ساخته، توانایی کسب تجربه در زندگی درونی را یافته، در ماهیت کنش انسانی تغییر ایجاد نماید.

مید نتیجه می‌گیرد انسان به اعتبار وجود خود می‌تواند موقعیت کنونی را که در آن قرار گرفته است درک کند، بدون آن که در بند محدودیت‌های محیط و زمان باشد، و آزادانه در مورد مسائل و شرایط زندگی خود و آن چه در محیط اطرافش می‌گذرد بیندیشد و به آگاهی دست یابد. او با درک فلسفه حال و رسیدن به آگاهی، آماده عمل برای برطرف نمودن مشکلات می‌شود.

بلومر نیز معتقد است که ساختارها، هنجارها، و ارزش‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب و هدایت کنش انسانی ندارند، بلکه آنچه در این فرآیند مهم است و تفکر و ذهنیت خود کنشگران است. کنشگران با تعریف موقعیت‌هایی که با آن درگیر هستند، به کنش معنی‌دار می‌پردازند. بلومر به رابطه متقابل بین اندیشه و کنش

فردی معتقد است.

به نظر زیمل، در مدل کنش متقابل، جامعه‌پذیری به مثابه جریانی سازگار مطرح است و فرد در برابر موقعیت جدید، به وسیله منابع شناختی‌اش و نیز به وسیله گرایش‌های هنجاری که در نتیجه جریان جامعه‌پذیری است، هدایت می‌شود. همچنین موقعیت جدید در نهایت، او را برای بسط منابع شناختی و اصلاح گرایش‌های هنجاری رهبری می‌نماید. از موضوعات اساسی مورد توجه پارادیم تعاملی، رفتار مطلوب و رفتار متعادل است. فرد تمایل به یافتن راه حلی دارد که طبق منابع گرایش‌ها و موقعیت خاصی، به نظر او بهترین است.

به اعتقاد وبر، رفتار انسان زمانی کیفیت اجتماعی می‌یابد که آشکارا متضمن نیت یا مقصودی باشد. بدین معنا که افراد عامل باید برای عملی که انجام می‌دهند، معنایی قایل باشند و به نوبه خود، رفتارشان را به سوی رفتار مشابه دیگران جهت‌گیری کنند. رفتار درون‌گرایانه محض، یا رفتاری که معطوف به اشیاء و وضعیت‌های مادی است، رفتارهای غیراجتماعی هستند. از نظر وبر، انسان خردورز، مفسر، دربانده معانی، در موقعیت‌های گوناگون براساس معانی گوناگون، رفتار و کنش متفاوتی از خود بروز می‌دهد. بنابراین، کنترل رفتار او به طور کامل امکان‌پذیر نیست.

به نظر اتوکلاین برگ، تصورات قالبی زمینه‌ساز پیش‌داوری‌ها نسبت به گروه‌های خاصی در جامعه‌اند. پیش‌داوری مستلزم وجود مجموعه‌ای از تصورات قالبی تعمیم‌یافته و کاملاً ثابت است (کلاین برگ، ۱۳۷۰).

نظریه کاتز و گلاس (Katz and Glass, 1979) نیز برپایه این عقیده است که افراد اغلب نگرشی دوگانه (احساس ترحم و دشمنی) نسبت به معلولین دارند.

به نظر استوتزل (۱۳۷۱: ۳۰۸) در خصوص نحوه نگرش جامعه نسبت به افراد معلول، دو نوع سازوکار روان‌شناختی در فرآیند تعبیر و تفسیر در مورد معلولین مشخص شده است:

۱- سازوکار گسترش زمانی: افراد، یک خصوصیت و ویژگی موقتی را در فرد معلول جزو خصوصیات دائمی او در نظر می‌گیرند.

۲- سازوکار تعمیم تشبیهی: افراد، یک خصوصیت را در یکی از افراد معلول می‌بینند

و آن را از روی تشابه، تعمیم می دهند.

به نظر می رسد افراد جامعه در تعامل با معلولین تحت تأثیر این سازوکارها قرار می گیرند.

مبنای نظری این تحقیق متأثر از حوزه های جامعه شناسی و روان شناسی با تأکید بر نظریه استوتزل است که به اختصار بدان اشاره شد.

### روش تحقیق

هدف اصلی این مطالعه، «شناخت» زمینه های اجتماعی مؤثر بر چگونگی نگرش نسبت به معلولین است. روش مطالعه، توصیفی است. به منزله طرحی زمینه یاب و نگرش سنج، توجه به گروه های اجتماعی در نمونه گیری با هدف مقایسه تفاوت ها در قشرهای مختلف جامعه از خصوصیات این بررسی است.

از آن جا که متغیرهای اصلی مورد بررسی عملاً در خصوص پاره ای از متغیرهای دیگر از نوع زمینه ای یا مستقل (مانند سن، جنس و...) حالت وابسته دارند و از پاره ای از آزمون های آماری برای تشخیص وجود رابطه میان آن ها استفاده شده است، و نیز پرسش های پژوهش، می توان به این اعتبار، روش مورد استفاده را روش توصیفی-مقطعی دانست.

برای سنجش گرایش و تمایلات مختلف، روش های گوناگونی وجود دارد. هر کدام از روش های موجود، در سطح سنجش خاصی، موضوعات مربوط به گرایش ها را می سنجد. بنابراین، ماهیت موضوع و چگونگی بسط مقیاس های سنجش از عوامل تعیین کننده بررسی نگرش هستند. در این بررسی به منظور سنجش نگرش از طیف لیکرت استفاده شده است. بر اساس این طیف، موضوع کلی به معرف های جزئی تری تجزیه می شوند و هر کدام به صورت گویه ای با جهت گیری مشخص نسبت به آن موضوع در می آیند. این گویه ها که به صورت محرک برای پاسخگو ارائه می شوند، پاسخ های (واکنش های) متفاوتی را ایجاد می کنند. پاسخ های پیش بینی شده در مقیاس لیکرت پنج گزینه هستند که به ترتیب از خیلی کم تا خیلی زیاد ادامه پیدا می کنند. در این صورت، سطح سنجش هر معرف رتبه ای خواهد بود. با مجموع نمرات معرف ها (ابعاد

متغیرها) نمره کل متغیر مورد نظر در سطح سنجش فاصله‌ای (یا نسبی) به دست می‌آید. به منظور سنجش نگرش‌های افراد نسبت به معلولین، پرسشنامه‌ای حاوی چهل پرسش طراحی شد. در یک پرسش اساسی، نگرش‌های مردم پیرامون نه نوع مشخص معلولین اندازه‌گیری گردید که از مقیاس‌های فاصله اجتماعی پنج قسمتی مشابه تحقیقات قبلی (Westbrook, 1993) استفاده به عمل آمد.

در پرسشنامه، برای سنجش میزان پذیرش افراد جامعه، پرسشی به شرح زیر مطرح شد:

۱- مردم ترجیح می‌دهند که فرد با این معلولیت در یک مؤسسه نگهداری شود یا دور از چشم باشد.

۲- مردم سعی دارند تا از یک فرد با این معلولیت اجتناب کنند. پذیرش کم

۳- فردی با این معلولیت در مقام یک همکار قابل پذیرش است. پذیرش متوسط

۴- فردی با این معلولیت در مقام یک دوست پذیرفته می‌شود. پذیرش بالا

۵- فردی با این معلولیت برای ازدواج با افراد درجه یک خانواده پذیرفته می‌شود. پذیرش کامل

فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

\* نگرش افراد جامعه در مورد ایجاد فرصت برابر برای اشتغال معلولین متفاوت است.

\* نگرش افراد جامعه در مورد ایجاد فرصت برابر برای تحصیل معلولین متفاوت است.

\* درجه پذیرش انواع معلولین توسط افراد جامعه متفاوت است.

\* بین آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مردم نسبت به معلولین رابطه وجود دارد.

\* به نظر می‌رسد نگرش‌های مردم تا حد زیادی عامل رفتار آنها نسبت به معلولین است.

متغیرهای مورد بررسی عبارتند از:

عنوان متغیر	نوع متغیر	مشخصات متغیر
سن	مستقل-زمینه‌ای	فاصله‌ای
جنس	مستقل-زمینه‌ای	اسمی
شغل	مستقل-زمینه‌ای	اسمی
سطح تحصیلات	مستقل-زمینه‌ای	رتبه‌ای
وضع تأهل	زمینه‌ای	اسمی
نگرش در مورد موقعیت فرد عادی و معلول در جامعه	وابسته	اسمی
نگرش در مورد برابری فرصت برای فرد عادی و معلول	وابسته	اسمی
نگرش در مورد مشارکت‌های اجتماعی فرد عادی و معلول	وابسته	اسمی
نگرش در مورد گذراندن اوقات فراغت فرد عادی و معلول	وابسته	اسمی
نگرش در مورد تحصیل کردن معلول مطابق فرد عادی	وابسته	اسمی
نگرش در مورد اشتغال معلول مطابق فرد عادی	وابسته	اسمی
نگرش در مورد همسایگی معلول با فرد عادی	وابسته	اسمی
نگرش افراد جامعه نسبت به انواع معلولیت‌ها	وابسته	اسمی

واژه Attitude معادل طرز تلقی، وجه نظر، بازخورد، وضع روانی، ایستار، گرایش، و نگرش است. طبق نظر لمبرت (Lambert) «نگرش عبارت است از روشی نسبتاً ثابت در فکر کردن، احساس کردن، و رفتار کردن نسبت به افراد، گروه‌ها، و موضوع‌های اجتماعی یا هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد (Lambert, Social Psychology, 1977).

مؤلفه‌های نگرش شامل ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است (Baron & Byrne, *Social Psychology*, 1997) مؤلفه‌های عاطفی به هیجان‌های منفی یا مثبت، و مؤلفه‌های رفتاری به شیوه خاصی از واکنش‌های فرد نسبت به پدیده‌ها و امور مختلف، و مؤلفه شناختی به فکر و تفسیرهای خاص اشاره دارند.

گرچه برخی نظریه‌پردازان، از جمله پدیدار شناسان کوشیده‌اند تا اعتبار واقعی نگرش را کاهش دهند، ولی این انتقادات باعث افزایش توجه به آن و نیز کاربرد بیش‌تر آن شده است، به طوری که مؤلفانی چون نیوکام (Newcomb)، ترنر (Turner)، کانورس

(Converse)، کاتز (Katz) و استاتلند (Stotland) آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. همچنین محققانی مانند وست بروک (Westbrook, 1993) پیرامون نگرش کادر بهداشتی نسبت به انواع معلولیت، مطالعاتی را انجام داده‌اند. علاوه بر این، از دیگر وجوه اهمیت نگرش این است که بر افکار اجتماعی مؤثر است و نحوه تفکر و پردازش اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر، چارچوب‌های شناختی اطلاعات در مورد مفاهیم، موقعیت‌ها و حوادث را سازماندهی می‌کند، و نیز بر فرآیند رفتار تأثیر می‌گذارد.

بسیاری از نگرش‌های ما در معرض تغییر قرار می‌گیرند. رادیو و تلویزیون، مطبوعات، آموزش‌های رسمی، دوستان و آشنایان هر کدام به نوعی سعی در تغییر نگرش ما دارند.

تغییر نگرش در دو بخش مطرح است: تغییر نگرش‌های دیگران (متقاعدسازی)، و تغییر نگرش‌های خود (توجه). گاهی برای تغییر نگرش از تنبیه و پاداش یا تهدید و تطمیع استفاده می‌شود.

بنابراین، نگرش نوعی آمادگی است، تمایل به عمل یا عکس‌العملی خاص در مقابل محرکی خاص است. در نتیجه، نگرش‌های فرد در صورت برخورد با موضوع نگرش در بیان و رفتار تجلی می‌کند. نگرش‌ها به وسیله عقاید و باورها تقویت می‌شوند (عامل ادراکی) و اغلب احساسات قوی (عامل احساسی) را که به نوع خاصی از رفتار (عامل حرکتی) منجر می‌شود، جذب می‌کنند (اوپنهایم، ۱۳۶۹: ۱۲۵). بنابراین نگرش بین عقیده (opinion) از یک سو و عمل (action) از سوی دیگر جای می‌گیرد.

قابلیت اعتماد طیف نگرش افراد نسبت به معلولین با استفاده از ضریب آلفا محاسبه شد. بر این اساس، مقدار آلفا ( $\text{Alpha}=0.85$ ) نمایشگر قابلیت اعتماد و هم‌سازی درونی مناسب بین گویه‌هاست.

جمعیت اصلی مورد مطالعه در این تحقیق افرادی هستند که در سال ۱۳۷۹ در تهران سکونت دارند. برای انتخاب نمونه افراد جامعه در تهران به روش خوشه‌ای، ابتدا مناطق بیست‌گانه تهران روی نقشه بر حسب موقعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها مشخص و حجم نمونه در هر منطقه براساس جمعیت بزرگسال آن منطقه محاسبه شده است.

نمونه‌گیری در دو مرحله انجام پذیرفت. مرحله اول به روش طبقه‌بندی بود و حجم نمونه که شامل ۱۵۰۰ فرد آماری بود، به نسبت جمعیت مناطق بیست‌گانه با روش تخصیص متناسب به مناطق اختصاص داده شد.

در مرحله دوم که به صورت تصادفی و خوشه‌ای بود، آغاز هر خوشه به صورت تصادفی از نشانی محل سکونت دانش‌آموزان ابتدایی مدارس هر منطقه انتخاب گردید. حجم هر خوشه ده خانوار منظور شده است که ده خانوار هر خوشه براساس توان اجرایی در یک روز کاری در نظر گرفته شده است.

در تحقیق حاضر، برای توصیف داده‌ها از جداول یک‌بعدی و آزمون فرضیات از جداول دوبعدی و آزمون‌های آماری مختلف استفاده شده است.

در تحقیق حاضر، هر جا هر دو صفت ارزیابی شده در سطح مقیاس اسمی بوده‌اند، از آزمون مجذور کای ( $X^2$ ) برای آزمون معنی‌دار بودن و در صورت معنی‌دار بودن از ضرایب  $\chi^2$  کرامرز و فی جهت شدت رابطه استفاده شده است. برای فرضیاتی که یکی از متغیرها در سطح اسمی و دیگری در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری شده نیز از  $X^2$  استفاده شده است. اما در آن‌جا که هر دو متغیر در سطح رتبه‌ای سنجیده شده‌اند، علاوه بر  $X^2$  از ضریب همبستگی سامرز D نیز استفاده شده است.

برای آزمون فرضیات تحقیق مربوط به جامعه آماری مورد مطالعه نیز از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده است.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

در مورد ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخگویان، ۶۳/۱ درصد زن و ۳۶ درصد مرد بوده‌اند. همچنین ۱۹/۳ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۲۰ سال و کم‌تر، ۴۴/۸ درصد در گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال، ۱۷ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۰ درصد در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۴/۶ درصد در گروه سنی ۵۱ سال و بیش‌تر بوده‌اند.

ضمناً ۳/۱ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۲/۶ درصد دارای سواد خواندن و نوشتن، ۴/۳ درصد سواد ابتدایی، ۹/۶ درصد تحصیلات راهنمایی، ۴۳/۹ درصد تحصیلات دیپلم، ۱۰/۹ درصد فوق دیپلم، ۱۹/۶ درصد تحصیلات لیسانس و نیز ۳/۸ درصد



پاسخگویان دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

۴۹/۳ درصد افراد مورد مطالعه مجرد، ۴۴/۹ درصد متأهل، ۱/۳ درصد بدون همسر بر اثر طلاق و ۱/۵ درصد بدون همسر در اثر فوت بوده‌اند.

۶۱/۳ درصد پاسخگویان غیرشاغل، ۱/۸ درصد از فروشندگان دوره‌گرد یا کارگران بدون مهارت، ۱۶/۲ درصد پاسخگویان کارگران ماهر و نیمه‌ماهر، ۶/۴ درصد صاحبان مشاغل خصوصی، ۳/۳ درصد پاسخگویان صاحبان صنایع کوچک، ۲/۳ درصد پاسخگویان صاحبان مشاغل تخصصی، ۱/۷ درصد پزشکان عمومی و مهندسان و بالاخره ۰/۸ درصد پاسخگویان جزء پزشکان متخصص و اساتید دانشگاه بوده‌اند.

در مورد نظر پاسخگویان نسبت به تحصیل افراد معلول، ۵۳/۵ درصد پاسخگویان خیلی موافق، ۳۶/۹ درصد موافق، ۳/۹ درصد بی‌نظر، ۳/۵ درصد مخالف و یک درصد پاسخ خیلی مخالف اعلام داشته‌اند.

در مورد اشتغال معلولین، ۱/۳ درصد پاسخگویان خیلی مخالف، ۲/۵ درصد مخالف، ۶/۷ درصد بی‌نظر، ۳۹/۶ درصد پاسخگویان نظر موافق و ۴۷/۷ درصد پاسخ خیلی موافق اعلام داشته‌اند.

در مورد برخورداری افراد معلول از حقوق اجتماعی مانند افراد عادی، ۵۷/۶ درصد پاسخگویان نظر خیلی موافق، ۳۳/۳ درصد موافق، ۵ درصد بی‌نظر، ۱/۵ درصد مخالف و ۰/۹ درصد خیلی مخالف ابراز داشته‌اند.

ارزش‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای متأثر از هنجارهای اجتماعی آن جامعه است. از پاسخگویان، پرستی پیرامون ارزش‌های اجتماعی در زمینه معلولین به عمل آمد که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: توزیع درصد نظر پاسخگویان در مورد ارزش‌های اجتماعی مرتبط با معلولین

گویه	خیلی موافق	موافق	بی نظر	مخالف خیلی مخالف
در یک محل زندگی کردن فرد معلول با فرد عادی	۱۳/۷	۴۹/۴	۲۳/۷	۷/۱
ارتباط دوستی فرد معلول با فرد عادی	۲۵/۴	۵۶	۱۱/۷	۳/۱
شاغل بودن فرد معلول در کنار فرد عادی	۳۲/۳	۴۷/۱	۱۲/۵	۳/۵
دوری کردن از فرد معلول توسط فرد عادی	۴	۷/۶	۹/۹	۳۴
جداسازی محل زندگی معلولین از محل سکونت افراد عادی	۳/۵	۹/۲	۱۳/۵	۲۹/۷

طبق این جدول، ۱۳/۷ درصد پاسخگویان با زندگی کردن در کنار فرد معلول خیلی موافق، و ۴۹/۴ درصد موافق بودند، حال آن که تنها ۳/۵ درصد پاسخگویان با جداسازی محل زندگی آنان خیلی موافق بوده‌اند. با استفاده از مقیاس فاصله اجتماعی، درجه پذیرش افراد جامعه نسبت به معلولین مورد بررسی قرار گرفت که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۲: توزیع درصد نظر پاسخگویان در مورد میزان

پذیرش انواع معلولین

مخالف خیلی مخالف		بی نظر	موافق	خیلی موافق	نوع معلولیت
۸/۷	۴/۱	۱۹/۹	۲۱/۸	۲۹/۳	نابینا
۶/۶	۶/۹	۲۳/۳	۲۱/۹	۲۴/۸	ناشنوا
۴	۴/۷	۱۹	۲۲/۷	۳۲/۳	لکنت زبان
۶/۴	۹/۴	۲۳/۵	۲۱/۹	۲۱/۱	معلول جسمی: قطع عضو (دست یا پا)
۱۳/۳	۱۵/۱	۲۲/۳	۱۸	۱۲/۹	معلول جسمی: فلج پایین تنه (از کمر به پایین)
۱۶/۱	۱۸/۳	۲۰/۴	۱۵/۱	۱۰/۹	معلول جسمی: فلج یک طرف بدن
۳۴/۹	۲۰/۵	۱۰/۸	۸/۵	۷/۲	معلول ذهنی: (عقب مانده ذهنی)
۴۱	۱۸/۸	۹/۷	۶/۵	۷	فلج مغزی
۴۳/۶	۱۵/۶	۹/۸	۷/۱	۶/۸	چند معلولیتی (جسمی و ذهنی)

همان طور که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، در بین افراد جامعه، نگرش منفی نسبت به معلولیت‌های قابل رؤیت وجود دارد. این امر در بین افراد با چند معلولیت بیشترین میزان و افراد با لکنت زبان کمترین میزان است. به منظور مشخص نمودن وجود رابطه بین نگرش افراد جامعه در خصوص برابری فرصت اشتغال برای معلولین مانند افراد عادی بر حسب متغیر جنس، این دو متغیر مورد ملاحظه قرار گرفت که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۳: نگرش افراد جامعه در مورد فرصت برابر برای

اشتغال معلولین بر حسب جنس

جمع	جنس		نگرش افراد جامعه	
	زن	مرد		
۱۹	۷	۱۲	تعداد	خیلی مخالف
۱/۳	۰/۸	۲/۳	درصد	
۳۷	۲۵	۱۲	تعداد	مخالف
۲/۵	۲/۷	۲/۳	درصد	
۱۰۱	۵۸	۴۳	تعداد	بی نظر
۶/۹	۶/۲	۸/۲	درصد	
۵۹۲	۳۶۲	۲۳۰	تعداد	موافق
۴۰/۷	۳۸/۹	۴۳/۸	درصد	
۷۰۶	۴۷۸	۲۲۸	تعداد	خیلی موافق
۴۸/۵	۵۱/۴	۴۳/۴	درصد	
۱۴۵۵	۹۳۰	۵۲۵	تعداد	جمع
۱۰۰	۶۳/۹	۳۶/۱	درصد	

$$X^2 = ۱۴/۴۵$$

$$df = ۴$$

$$P < ۰/۰۰۱$$

آزمون  $X^2$  نشان می دهد که بین نگرش افراد جامعه در مورد فرصت برابر برای اشتغال معلولین بر حسب جنس، رابطه معنی داری وجود دارد. این رابطه معنی دار بر حسب سن، محل تولد، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل پاسخگویان نیز ملاحظه شد.

جدول زیر نگرش افراد جامعه را در خصوص برابری فرصت آموزش و تحصیل معلولین و افراد عادی بر حسب متغیر سن نشان می دهد:

جدول شماره ۴: نگرش افراد جامعه در مورد فرصت برابر برای

تحصیل معلولین بر حسب سن

مجموع	سن					نگرش افراد جامعه
	۲۰ سال و کمتر	۲۱-۳۰	۳۱-۴۰	۴۱-۵۰	۵۱+	
۱۴	۲	۹	۱	—	۲	خیلی مخالف تعداد
۱	۱	۱/۲	۰/۴		۳	درصد
۵۰	۱۱	۲۳	۶	۹	۱	مخالف تعداد
۳/۵	۵/۷	۳	۲/۴	۶/۲	۱/۵	درصد
۵۳	۱۴	۲۴	۹	۵	۱	بی نظر تعداد
۳/۷	۷/۳	۳/۲	۳/۵	۳/۴	۱/۵	درصد
۵۲۷	۵۹	۲۶۳	۱۰۶	۶۳	۳۶	موافق تعداد
۳۷/۱	۳۰/۶	۳۴/۷	۴۱/۷	۴۳/۲	۵۳/۷	درصد
۷۷۵	۱۰۷	۴۴۰	۱۳۲	۶۹	۲۷	خیلی موافق تعداد
۵۴/۶	۵۵/۴	۵۸	۵۲	۴۷/۳	۴۰/۳	درصد
۱۴۱۹	۶۷	۱۴۶	۲۵۴	۷۵۹	۱۹۳	جمع تعداد
۱۰۰	۴/۷	۱۰/۳	۱۷/۹	۵۳/۵	۱۳/۶	درصد

$$X^2 = ۳۸/۳۷$$

$$df = ۱۶$$

$$P < ۰/۰۰۱$$

آزمون به عمل آمده ( $X^2$ ) نشان می دهد که بین نگرش افراد جامعه در مورد فرصت برابر برای تحصیل معلولین و متغیر سن پاسخگویان، رابطه معنی داری وجود دارد. این رابطه معنی دار، بر حسب جنس، محل تولد، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل پاسخگویان نیز ملاحظه شد.

برای سنجش نگرش افراد جامعه مرتبط با ارزش های اجتماعی انواع معلولین بر حسب سن پاسخگویان، از آزمون آنالیز واریانس استفاده شده که نتایج به شرح جدول زیر است:

جدول شماره ۵: آزمون آنالیز واریانس یک طرفه (one way) نمره

نگرش افراد جامعه با توجه به سن آنان نسبت به ارزش های اجتماعی معلولین

احتمال F	نسبت F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منبع تغییرات
۰/۰۲	۲/۸۳	۷۸/۶۹	۳۱۴/۷۹	۴	بین گروه ها
		۲۷/۸۰	۳۶۸۶۶/۴۸	۱۳۲۶	داخل گروه ها
			۳۷۱۸/۲۷	۱۳۳۰	جمع

نتایج نشان می دهد که آزمون F با ارزش ۲/۸۳ در سطح ۰/۰۲ معنی دار است. بدین ترتیب، روشن می گردد که میانگین نمره نگرش افراد جامعه بر حسب سن، نسبت به ارزش های انواع معلولین متفاوت است و این تفاوت، معنی دار است.

ضمناً برای تعیین این تفاوت ها، آزمون LSD مورد استفاده قرار گرفت که نشان می دهد پاسخگویان با توجه به شرایط سنی، در سطح معنی داری ۰/۰۵ با یکدیگر متفاوتند.

در تحقیق حاضر، برای سنجش رابطه بین دو متغیر نگرش افراد جامعه نسبت به پذیرش انواع معلولین و متغیر سطح تحصیلات در هشت گروه تحصیلی، از روش آزمون آنالیز واریانس استفاده شده که نتایج به قرار زیر است:

جدول شماره ۶: آزمون آنالیز واریانس یک طرفه (one way) نمره

نگرش جامعه نسبت به انواع معلولین بر حسب آخرین مدرک تحصیلی

احتمال F	نسبت F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منبع تغییرات
۰/۰۰۵	۲/۸۵	۱۷۵/۲۶	۱۲۲۶/۸۳	۷	بین گروه ها
		۶۱/۴۱	۶۳۶۳۰/۵۷	۱۰۳۶	داخل گروه ها
			۳۷۱۸۱/۲۷	۱۰۴۳	جمع

این جدول نشان می دهد که آزمون F با ارزش ۲/۸۵ در سطح ۰/۰۰۵ معنی دار است. بدین ترتیب، میانگین نمره نگرش گروه ها (بر حسب میزان تحصیلات) به انواع معلولین

با یکدیگر متفاوت بوده و این تفاوت‌ها معنی دار است. برای مشخص نمودن این که این تفاوت در بین کدام گروه‌ها است، از آزمون LSD استفاده شده است که نشان می‌دهد گروه‌ها در سطح معنی داری ۰/۰۵ با یکدیگر متفاوتند. بنابراین، آزمون فرضیه‌ها و آزمون‌های آماری دیگر، نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی دار بین نگرش افراد جامعه نسبت به انواع معلولین است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این بررسی، شناخت نگرش مردم نسبت به معلولین بوده است. این بررسی نشان داده که نگرش‌های کلی جامعه نسبت به افراد معلول به هر دو سمت مثبت و منفی گرایش داشته و بیش از آن که مثبت و منفی باشد، دوگانه است. به عبارت دیگر، نگرش افراد جامعه نسبت به معلولین یک نوع احساس دوگانه است، و افراد بیش از آن که نگرش صرفاً مثبت یا منفی داشته باشند، بین دو نوع احساس ترحم و همدردی از یک سو و بی‌توجهی (عدم تمایل به برقراری ارتباط با معلولین، که موجب ناپایداری در رفتار نسبت به آنان می‌شود) از سوی دیگر، قرار دارند.

دیگر نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که جوانان بیش از بزرگسالان دارای نگرش مثبت به معلولین هستند؛ و زنان نیز در مقایسه با مردان از نگرش مثبت‌تری نسبت به معلولین برخوردارند. همچنین افراد با تحصیلات بالا از نگرش مثبت‌تری نسبت به معلولین برخوردار هستند. افراد دارای شغل بالا نیز نگرش مثبت‌تری نسبت به معلولین دارند.

داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تماس افراد جامعه با معلولین و اطلاع از میزان توانمندی آنان زمینه‌های نگرش مثبت افراد جامعه نسبت به معلولین را فراهم می‌کند. حضور افراد معلول در جامعه و مشارکت آنان در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف، موجبات شناخت هرچه بیشتر آنان از سوی جامعه را فراهم می‌کند. در چنین شرایطی، زمینه مساعد برای تغییر نگرش‌های منفی فراهم و نگرش‌های افراد جامعه نسبت به افراد معلول مثبت‌تر، منطقی‌تر و واقع‌بینانه‌تر خواهد شد.

برای تغییر نگرش منفی افراد جامعه نسبت به معلولین و پیدا کردن نگرش مثبت و

افزایش نرخ پذیرش اجتماعی آنان، این نکات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: توجه به توانمندی‌های معلولین، گسترش آموزش‌های عمومی، ترویج و اشاعه تفکر برابری (equality)، توجه به جریان عادی‌سازی (normalization)، فراهم‌سازی زمینه‌های مناسب جهت مشارکت معلولین در زمینه‌های آموزش، اشتغال، فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و... همانند سایر افراد جامعه، توجه به حقوق معلولین (وضع قوانین مناسب) به طوری که اینان نیز مانند سایر افراد از حقوق خود برخوردار شوند. نتایج این تحقیق مؤید یافته‌های تحقیق وست بروک (Westbrook, 1993) است.

این نتایج نیاز بیشتر به تحقیق پیرامون نگرش افراد جامعه نسبت به افراد دارای محدودیت را تأیید می‌کند، به گونه‌ای که کوشش‌های بیشتر برای حذف کلیشه‌های منفی پیرامون ناتوانی این افراد به عمل آید.

## منابع

- آدام، فیلیپ؛ کلودین، هر تسلیک. جامعه‌شناسی بیماری و پزشکی. ترجمه لورانس، دنیا کتبی و مرتضی کتبی. تهران: باورداران، ۱۳۷۶.
- استوتزل، ژان. روانشناسی اجتماعی. ترجمه علی‌محمد کاردان. تهران: دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.
- افروز، غلامعلی. مقدمه‌ای بر روانشناسی آموزش و پرورش کودکان استثنایی. تهران: دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.
- افروز، غلامعلی. مقدمه‌ای بر روانشناسی آموزش و پرورش کودکان استثنایی. تهران: دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۶۵.
- اوپنهایم، ا. ان. طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها. ترجمه مرضیه کریم‌نیا. مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۹.
- تقدیسی، محمدحسین. مطالعه چگونگی سازگاری اجتماعی معلولین. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه فوق لیسانس، ۱۳۶۷.
- دواس، دی. ای. پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- دوچ هورتون، روبرت م، کراوس. نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- رفیع پور، فرامرز، کندوکاوها و پنداشته‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.



- ساروخانی، باقر. دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان، ۱۳۷۰.
- ساروخانی، باقر. روش های تحقیق در علوم اجتماعی. جلد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ساروخانی، باقر. روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
- سپهر، حمید و دیگران. بررسی نگرش برخی اصناف نسبت به معلولین ذهنی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۶.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن. مرکز آمار ایران، تهران، ۱۳۷۵.
- فتح‌الدین، محمود. «نگرش کارآموزان تربیت معلم نسبت به کودکان استثنایی»، مجله روانشناسی، نشریه انجمن روانشناسی ایران، شماره ۲۱، ۱۳۵۸.
- کریمی، یوسف. روانشناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها. تهران: بعثت، ۱۳۷۳.
- کلاین‌برگ، اتو. روانشناسی اجتماعی. ترجمه علیمحمد کاردان. تهران: نشر اندیشه، چاپ یازدهم، ۱۳۷۰.
- کلدی، علیرضا. طرح تحقیق «بررسی مسائل و مشکلات معلولین نخاعی». تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۳.
- کلدی، علیرضا. بررسی شیوه‌های همسرگزینی معلولین. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۴.
- کوهن، آرتو. تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی. ترجمه علیرضا کلدی. تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۸.
- موزر، س. ک.؛ گالتون، ج. روش تحقیق. ترجمه کاظم ایزدی. تهران: کیهان، ۱۳۶۷.
- میرخانی، سیدمجید. مبانی توانبخشی (۱). تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۸.
- وایزبرگ، هربرت، ف. درآمدی بر تحقیق پیمایشی و تحلیل داده‌ها. ترجمه جمال عابدی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.

- Barker, R.G *Adjustment to Physical Handicap and Illness: A Survey of the Social Psychology of Disability*. New York: Social Science Research Council, 1953.

- Bucy Douglas R. *Help Yourself: Problem Solving for the Disabled*. New York: Macmillan, 1996.

- Cahill, Spencer. E. "Reconsidering the Stigma of Physical Disability: Wheelchair Use and Public Kindness, *Sociological Quarterly*. 1995.
- Haj - Yahia M. "Attitudes Towards Mentally Ill People and Willingness to Employ Them in Arab Society," *International Sociology*. Vol. 14, No. 2: 173 - 193, 1999.
  - Kaiser, S. B. *Appearance Management and Role Taking Among Persons with and without Physical Disabilities*. American Sociological Association (ASA), 1986.
  - Katz, I. & Glass, D. C. "An Ambivalence Theory of Behavior Toward the Stigmatized", in W. Austin et al. (eds) *The Social Psychology of Intergroup Relations*. Monterey, CA.: Brooks, 1979.
  - Kaufmann, C. L. *Reasonable Accommodation to Mental Health Disabilities at Work : Legal Constructs and Practical Applications*. American Sociological Association (ASA), 1992.
  - Langer, E. Chanowitz, B. "Detecting Prejudice by Increasing Discrimination, *Journal of Personality and Social Psychology*. 49. 113 - 127, 1985.
  - Lewis, Ann. *Children's Understanding of Disability*. London : Routledge, 1995.
  - Livneh, H. "On the Origins of Negative Attitudes : Toward People with Disabilities", *Rehabilitation Literature*. 43: 338 - 347, 1982.
  - Livneh, H. "Application of Smallest Space Analysis to the Study of Attitudes Toward Disabled Persons" *Professional Psychology : Research and Practice*. 14:406-413, 1983.
  - Richardson, Stephen A., Research Report, Handicap, Appearance and Stigma, *Social Science & Medicine*, Vol. 5, pp. 621-628, 1971.
  - Richardson, Stephen A. et al., Cultural Uniformity in Reaction to Physical Disabilities, *American Sociological Review*, No. 26, pp. 241-247, 1961.
  - Robisons, J. et al., Measures of Social Psychological Attitudes, Ann Arbor: ISR, 1973.
  - Roessler, R, Bolton, B., Psychological Adjustment to Disability, Baltimore: University Park Press, 1978.

- Safilions, Rothschild, G., The Sociology and Social Psychology of Disability and Rehabilitation, New York: Random House, 1970.
- Taylor Christina J., "Factors Affecting Behavior Toward People with Disabilities," The Journal of Social Psychology, 138, 6, pp. 766-771, 1998.
- Tringo J.L., The Hierarchy of Preference Toward Disability Groups, Journal of Special Education, 4: 295-306, 1970.
- Westbrook, M.T., etal, Attitudes Toward Disabilities in a Multicultural Society, Social Science & Medicine, 36, (5), 615-623., 1993.
- Woodward R., The Effects of Gender and Type of Disability on the Attitudes of Children Toward Their Persons with Physical Disabilities, Therapeutic Recreation Journal, 29, 3, 218-227, 1995.
- Yucker, Harold E., Attitudes Toward Persons with Disabilities, Springer Publishing Company Inc., 1988.